

حریم املاک از نگاه فقه حنفی و حقوق افغانستان

□ محمدکبیر رضوی *

چکیده

گسترش روابط اجتماعی، موجب تعدی افراد مختلف، به حریم املاک دیگران گردیده، منازعات و شکایت‌های حقوقی در این زمینه، موضوع حریم املاک یکی از مباحث مهم و مبتلابه در زندگی امروزی بشر به شمار می‌آید مسئله املاک از دیرباز مورد مناقشه و نزاع میان کوچی‌ها و ده‌نشینان در افغانستان بوده صاحبان آن متحمل خسارت‌های جبران ناپذیر، حتی منجر به قتل گردیده اند، با این وجود، ضرورت ایجاب نمود در این حوزه آنهم از منظر فقه حنفی و حقوق افغانستان، که فقه حاکم است مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. در حقوق موضوعه افغانستان بحث حریم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شیوه‌ای تدوین این اثر تحلیلی توصیفی بوده است.

حریم در جای متصور است که ملکی وجود داشته و اطراف آن ملک، زمین مواتی نیز موجود باشد علاوه بر آن ارتباطی بین آن دو وجود داشته باشد. از منظر فقهی و حقوقی، حریم مقداری از اراضی اطراف ملک است که انتفاع کامل و بهره‌برداری از ملک، متوقف بر آن است. حریم املاک به عنوان حق صاحبان آن‌ها، دارای مشروعیت فقهی بوده و بدون اجازه مالک، تصرف به آن جایز نیست. روایات نبوی ﷺ، ملکیت مالک، دفع ضرر و جلب منفعت، اجماع و بنای عقلا، مبانی مشروعیت حق حریم را تشکیل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: حریم، حریم املاک، مشروعیت حریم، فقه.

۱. مقدمه

واژه‌ی حریم، از واژه‌های پرکاربرد در علم فقه، حقوق و اخلاق می‌باشد؛ در علم فقه و حقوق، حریم به دو شاخه‌ی حریم خصوصی و حریم املاک تقسیم شده است. حریم خصوصی قلمرویی از اطلاعات و متعلقات هر فرد است که آن فرد نوعاً یا عرفاً با اعلام قبلی به نحو معقولی، انتظار عدم دسترسی دیگران و مصونیت از ورود، نگاه و نظارت دیگران یا هرگونه تعرضی نسبت به آن قلمرو را دارد. (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۳۵). در حالی که حریم املاک به محدوده‌ی اطراف هر مال مملوک غیرمنقولی می‌گویند که به میزان عرفی در جهت استفاده کامل از ملک در نظر گرفته شده است؛ به بیان دیگر حریم خصوصی، نوعی سپر مصونیت اطلاعاتی و حریم املاک ضامن مصونیت فیزیکی می‌باشد.

نوشته حاضر منصرف از حریم خصوصی بوده، حریم املاک را مورد مطالعه قرار داده موارد زیر را به بررسی خواهد گرفت:

- مفهوم حریم؛
- ارکان حریم؛
- مبانی مشروعیت حریم؛

۲. مفهوم و پیشینه حریم

در این بخش نخست به مفهوم حریم در لغت و اصطلاح پرداخته می‌شود و سپس پیشینه آن در فقه و حقوق افغانستان مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۱. مفهوم لغوی حریم

حریم واژه‌ی عربی و از ریشه حرم (به معنای بازداشتن) است که دارای معانی گوناگون بوده و همگی متضمن مفهوم ممنوعیت و محدودیت می‌باشد؛ مثلاً کار ممنوع و حرام، هر چیزی که لمس کردن آن ممنوع باشد، جامه‌ای که عرب عصر جاهلی پوشیدن آن را در حرم ممنوع می‌دانستند و فرد یا چیزی که تحت حمایت شخصی قرار دارد و او برای دفاع از آن حاضر

است بجنگد (مانند خانواده و دوست و شریک)، از جمله معانی لغوی حریم ذکر شده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰هـ.ق، ج ۳، ص ۲۲۲) با توجه به معنای فوق، برخی از لغت‌شناسان معتقدند که حریم به حرمتی گفته می‌شود که هتک آن جایز نیست (جوهری، ۱۴۱۰هـ.ق، ج ۴، ص ۱۶۱۴). وجه اینکه شیء ممنوع را حریم نامیده، این است که منع صاحبش از تصرف در آن یا تصرف دیگران در آن (بدون اجازه مالک)، حرام شمرده شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ.ق، ج ۱۲، ص ۱۲).

۲-۲. مفهوم فقهی حریم

ابن عابدین در کتاب ردالمحتار در تعریف حریم چنین نگاشته است:

حریم الشیء: ما هو حوله من حقوقه و مرافقه، یسمی به لأنه حرم علی غیر مالک. (ابن عابدین، ۱۴۱۲هـ.ق، ج ۱۰، ص ۷). حریم چیزی: همان حقوق و لوازم اطراف و پیرامون آن است. دلیل حریم نامیدن حقوق و لوازم پیرامونی، حرمت آن بر غیر صاحبش است.

علی حیدر در کتاب نفیس «در الاحکام شرح مجلة الاحکام»، در تعریف حریم نوشته است:

حریم الشیء هی حقوقه و مرافقه الی حوله و أطرافه، و تسمیه حریم هو لأن التصرف به و الانتفاع منه لغیر مالک حرام و ممنوع (علی حیدر، ۱۴۲۳هـ.ق، ج ۳، ص ۲۸۷). حریم چیزی، همان حقوق و لوازم اطراف و پیرامون آن است. و دلیل حریم نامیدن حقوق و لوازم پیرامونی ممنوعیت و حرمت تصرف و انتفاع از آن بر غیر صاحبش است»

همچنان‌که برخی فقهای معاصر امامیه نیز در تعریف حریم نوشته است:

حریم کل شیء مقدار ما یتوقف علیه الانتفاع به و لا یجوز لأحد أن یحیی هذا المقدار بدون رضا صاحبه (فیاض کابلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۹). حریم هر چیزی آن مقداری است که انتفاع و بهره‌برداری از آن متوقف بر آن است. و هیچ کسی مجاز نیست که این مقدار را بدون رضایت صاحب آن احیاء نماید

فقهای شافعی نیز، گفته‌اند که مقصود از حریم، حقوق و مرافق پیرامون اموال غیر منقول می‌باشد؛ به عنوان نمونه، زحیلی در کتاب الفقه الاسلامی و ادلته، نوشته است:

«الحریم: الموضع المجاور حول النهر أو البئر الذي تجب حمايته.» (زحیلی، بی تا، ج ۶، ص ۴۶۱).

«حریم، مکان اطراف رودخانه یا چاه است که باید مورد حمایت حقوقی قرار گیرد»
بنابر این، حریم اموال غیر منقول، مقداری از اراضی اطراف ملک غیر منقول است که اگر دیگری در آن مقدار، تصرف کند، صاحب ملک بخاطر آن، در مضیقه قرار می گیرد و بهره وری او از آن ملک، تحت تأثیر قرار می گیرد؛ ایجاد چنین محدودیتی می تواند حکمت حرمت تصرف دیگران در آن حریم، می باشد. (طاهری، ۱۴۱۸هـ، ج ۱، ص ۲۹۳).

۳-۲. مفهوم حقوقی حریم

قانون مدنی افغانستان، هیچ سخنی از حریم به میان نیاورده و نهاد حریم را به صورت کلی مسکوت گذاشته است؛ اما «مقررہ بستر و حریم منابع آب و تأسیسات آبی»، حریم را تعریف کرده است و محدوده یا زمین های اطراف منابع آبی را حریم آنها دانسته است که برای محافظت و انتفاع از آنها ضروری باشد. جزء ۲ ماده ۳ این مقرر نگاشته است:

«حریم منابع آب: زمین های اطراف منابع آب است که برای حفاظت منابع آب اختصاصی آن ضروری بوده و تعرض بر آن جایز نیست.»

اگرچه این قانون خاص است و تنها به تعریف حریم منابع آب پرداخته است؛ اما به نظر می رسد با تنقیح مناط بتوان آن را بر سایر موارد نیز حمل کرد؛ زیرا در تعریف یاد شده ملاک حق حریم، حفاظت از منابع آبی دانسته شده است که تعبیر دیگری از آنچه است که فقها در تعریف حریم بیان داشته اند؛ لذا می توان از این تعریف در تعریف حریم در سایر موارد نیز بهره برد.

بنابراین در یک جمع بندی کلی و با توجه به تعریف لغوی و اصطلاحی حریم، می توان گفت که نسبت معنای لغوی حریم با معنای اصطلاحی آن، نسبت مطلق و مقید است؛ زیرا حریم در معنای لغوی (فعل به معنای مفعول) به هر چیز ممنوع گفته می شود؛ اما معنای اصطلاحی حریم:

«محدوده ای اطراف مال مملوک غیر منقول است که به میزان عرفی، در جهت استفاده کامل

از ملک برای مالک در نظر گرفته شده است.»

به تعبیر دیگر، حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد.

۲-۴. پیشینه حریم

در این بخش در پی تبیین پیشینه حق حریم در فقه و حقوق موضوعه افغانستان هستیم؛ بدین جهت نخست به بیان پیشینه فقهی آن پرداخته می‌شود و سپس پیشینه حق حریم را در قوانین موضوعه افغانستان مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۴-۲. پیشینه حریم در فقه حنفی

پیشینه حق حریم به صدر اسلام و دوره نبوی می‌رسد؛ آنجا که پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره حریم چاه و چشمه سخن گفت و برای انواع چاه، حریم تعیین نمود (البارعی الزیلعی الحنفی ۱۳۱۵ ش، ص ۳۶). پس از صدر اسلام اگرچه فقهای مسلمان به این مسأله توجه داشتند؛ اما مبحث مستقلی به آن در نظر نگرفته و در ضمن مباحث دیگر به بیان احکام آن پرداخته‌اند؛ برخی همچون حسن شیبانی از فقهای بزرگ حنفی در اواخر سده دوم هجری بحث حریم را در ذیل «باب بئر» یا چاه مورد بررسی قرار داده است (الشیبانی، ج ۴ بی تا، ص ۵۸۴-۵۸۷). ولی بیشتر فقها ذیل باب «احیاء موات» به بحث از حریم پرداخته‌اند و از جمله شرایط جواز احیاء زمین موات را، حریم نبودن آن برای ملک افراد دیگر (شخص خاص یا اهالی قریه و شهر) می‌دانستند. به عنوان نمونه می‌توان به ابن نجیم مصری در بحر الرایق (المصری، ج ۸، بی تا، ص ۲۴۰). عینی حنفی در البنایه (العینی الحنفی، ج ۱۲، ص ۲۰۰، ص ۲۹۲-۳۱۰). علاءالدین کاسانی حنفی در بدائع الصنائع (الکاسانی، ج ۶، ۱۹۸۲ م، ص ۱۹۱).

ابن عابدین در ردالمحتار (ج ۱۰، ۱۴۱۲ هـ ق، ص ۷). عبدالله بن محمود موصلی حنفی در الاختیار لتعلیل المختار (الموصلی البلدی الحنفی، ج ۳، ۱۳۵۶ ش، ص ۶۸-۶۹). اشاره کرد. این نوع بحث در تألیفات فقهای سایر مذاهب اسلامی نیز پی گرفته شده است که از آن جمله می‌توان به وجه الزحلی شافعی در کتاب الفقه اسلامی و ادلته و محمد اسحاق فیاض از فقهای بزرگ مذهب امامیه در کتاب الاراضی اشاره کرد که بحث حریم را ذیل باب احیاء موات، به بررسی گرفته‌اند.

۲-۴-۲. پیشینه حریم در حقوق افغانستان

به رغم توجه گسترده فقه اسلامی به مسأله حریم، این موضوع در حقوق افغانستان کمتر بازتاب داشته است. در قانون مدنی، ماده و موردی تحت عنوان حریم و یا حق حریم مطرح نگردیده، اگرچه مصادیقی از آن در ماده ۲۳۵۱ قانون مذکور بیان شده است. در قوانین تنظیم امور زمینداری در ادوار مختلف نیز به آن پرداخته نشده است. تنها متن قانونی موجود در حقوق افغانستان که به بحث حریم پرداخته «مقررہ بستر و حریم مناب آب و تأسیسات آبی» است.

۳. ارکان و مبانی مشروعیت حریم

احکام و مسائل فقهی حقوقی مبتنی بر ارکان و عناصر مقوم و مبانی مشروعیت می‌باشند که حریم نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این بخش، نخست از ارکان حق حریم بحث می‌شود و سپس به مبانی مشروعیت آن پرداخته خواهد شد.

۳-۱. ارکان حریم

فقها و حقوقدانان، سه رکن برای حریم ذکر کرده‌اند که آن‌ها را به عنوان بیان کننده عناصر تشکیل دهنده حریم، بررسی می‌نماییم.

۳-۲. وجود اصل ملک

وجود ملک، لازمه‌ی ایجاد حق حریم است؛ منظور از ملک در اینجا، معنای اسم مصدری است که جمع آن (املاک) می‌باشد و از آن به (عقار) نیز تعبیر می‌شود. بنابراین، حق حریم در غیر اعیان و عقار به وجود نمی‌آید. به عبارت دیگر، اگر حریم حق باشد، یک حق تبعی است و اگر ملک هم باشد به تبع ملک اصلی ایجاد شده است. در هر دو صورت باید ملکی وجود داشته باشد تا حریم برای آن متصور باشد. به این معنا که بعد از ایجاد یک ملک، حریم ایجاد می‌گردد و با از بین رفتن آن، حریم نیز از بین می‌رود. برای تبیین بهتر موضوع در ذیل به چند مورد از عبارات فقها اشاره می‌گردد:

در کتاب «دررالحکام شرح غرر الاحکام» نوشته است:

وَمُنْعَ غَيْرِهِ مِنَ الْحَفْرِ فِيهِ) أَى فِي الْحَرِيمِ لِأَنَّهُ صَارَ مِلْكًا لِصَاحِبِ الْبُئْرِ ضَرُورَةً تَمَكُّنُهُ مِنَ الْإِنْتِفَاعِ بِهَا فَكَانَ مُتَعَدِّيًا بِتَصَرُّفِهِ فِي مِلْكٍ غَيْرِهِ (ملا خسرو، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۷). دیگران از تصرف در حریم چاه حفر شده، ممنوع دانسته شده اند؛ زیرا حریم چاه، ملک حافر محسوب می گردد. این ملکیت تبعی نیز به این خاطر به وجود می آید که امکان انتفاع کامل از چاه، بدون حریم داشتن، میسر نمی گردد؛ بنابراین، تجاوز به حریم چاه، تجاوز به ملک غیر محسوب می شود.

علی حیدر در کتاب وزین «دررالحکام شرح مجله الاحکام» بیان می دارد:

فلا يجوز لغيرهم أن تصرف فيها بوجه كأن يحفر أو يغرس أشجاراً أو يزرع الأرض لأن هذا الحريم هو ملك لصاحب البئر ولا يجوز أن تصرف في ملك الغير بلا إذن (علی حیدر، ۱۴۲۳ه.ق، ج ۳، ص ۲۹۱). برای غیر صاحبان حریم هیچ نوع تصرف جایز نیست؛ از قبیل کندن چاه، غرس نهال و یا کشت کردن آن؛ زیرا حریم ملک صاحب چاه (اولی) است و تصرف در ملک غیر بدون اذن جایز نیست.

در ادامه می نگارد:

بناء عليه إذا حفر أحد بئراً في حريم الآخر فتردم. أي أن لصاحب البئر الأولى أن يأمر صاحب البئر الثانية أن يملأ بئره بالتراب و أن بردمها (همان)؛ بنابراین اگر کسی در حریم دیگری چاهی حفر کند، پر می شود؛ یعنی صاحب چاه اول حق دارد که به صاحب چاه دوم دستور بدهید که چاه خود را با خاک پر کرده و مسدود نماید.

در کتاب «النبایه شرح الهدایه» نوشته است:

فمن أراد أن يحفر بئراً في حريمها منع منه كيلا يؤدي إلى تقويت حقه والاخلال به، وهذا لأنه بالحفر ملك الحريم ضرورة تمكنه من الانتفاع به، فليس لغيره أن يتصرف في ملكه... (بدرالدین العینی الحنفی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۲، ص ۳۰۱)؛ اگر کسی بخواهد در حریم چاه دیگری چاهی حفر کند، از این کار منع می شود، زیرا حفر چاه دوم منجر به از بین رفتن و اخلال در حق صاحب حریم می شود. چون صاحب چاه اول با حفر چاه مالک حریم می گردد تا بتواند از آن بهره وری داشته باشد، بنابراین دیگران حق تصرف در ملک او را ندارد.

در کتاب الموسوعه الفقهيه که توسط وزارت اوقاف تهیه شده است، در جلد هفدهم،

مدخل حریم، بیان داشته اند:

اختلافی نیست بین فقها در عدم جواز احیاء حریم چاه و جوی و چشمه و هر ملکی که احیاء آنچه که مصالح آن مربوط است جایز نیست. چون پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده است: «کسی زمینی مواتی را که حق مسلمانی بر آن نیست، احیاء کند مالک می شود» چون حریم تابع ملک است، اگر احیاء آن جایز باشد، ملک برای صاحب آن قابلیت انتفاع خود را از دست می دهد^۱ (الموسوعة الفقیه، ج ۱۷، مدخل حریم، ص ۲۱۳).

در همین کتاب در ادامه نگاشته اند:

و کذلک اتفق جمهور الفقهاء علی أنه لا يجوز تملک حریم الأراضی العامره لأنه تابع للعامر (همان)؛ «همچنین جمهور فقها بر عدم جواز تملک حریم زمین های آباد اتفاق نظر دارند، چون حریم تابع آبادی است»

همچنین نوشته اند:

ولأصل فی مشروعیه الحریم أن النبی ﷺ جعل للبئر والعین و کل أرض حریماً. (همان) اصل در مشروعیت حریم این است که نبی گرامی اسلام ﷺ و برای چاه، چشمه و هر زمین حریم قرار داده است.

۳-۳. مجاورت اراضی موات

فقهای حنفی، موات بودن اراضی مجاور ملک را برای ایجاد حق حریم ضروری دانسته و تصریح نموده اند که در املاک مجاور حریم وجود ندارد.

تصریح کاسانی حنفی در کتاب وزین «بدائع الصنائع»، چنین است:

زمین های موات، به زمین های گفته می شود که در خارج شهر و قریه وجود دارد و هیچ کس نسبت به آن ها حق مالکیت و حق حریم ندارد؛ بنابراین، وجود زمین موات در داخل شهر و روستا تصور ندارد. زمین های که حریم زمین های خارج از شهر و روستا هستند قابل اقطاع نمی باشند؛ مانند محل جمع آوری هیزم اهالی روستا، چراگاه مواشی اهل قریه. حریم زمین های اهل قریه، مانند حیاط خانه های شان حق آن ها محسوب می گردد و اقطاع چنین زمین های، ابطال حق مالی آن ها می گردد^۲ (الکاسانی الحنفی، ج ۸، ۱۹۸۲م، ص ۳۱۰).

کاسانی در ادامه تصریح نموده است:

«فلا خلاف فی آن من حفر بئرا فی أرض الموات یکون لها حریم» (همان، ص ۱۹۵).
«هیچ خلائی در این نیست که هرگاه کسی در زمین موات چاهی را حفر کند، چاه مذکور، داری حریم خواهد بود.»

مفهوم مخالف سخن کاسانی این است که در غیر زمین موات، حریم وجود ندارد.

ماده ۱۲۹۱ مجله الاحکام العدلیه در مورد حریم چاه می نویسد:

لیس لبئر حفرها شخص فی ملکه حریم، ولجاره ایضا آن یحفر بئرا آخری فی ملک نفسه قرب تلک البئر ولیس لذلك الشخص منع جاره من حفر البئر بقوله: أنها تجذب ماء بئری. (مجله الاحکام العدلیه، ماده ۱۲۹۱): «چاهی را که شخصی در ملک خویش حفر کند حریم ندارد و همسایه او نیز می تواند در ملک خود که نزدیک چاه اولی است حفر نماید و صاحب چاه اول حق منع او را ندارد با این ادعا که آب چاه او را جذب می کند.

در الاحکام در توضیح ماده ۱۲۷۱ نوشته است:

والمحلات التي یصل اليها صوت جهير الصوت عند صياحه^۳ من أقصى العمران تعد قریبه من العمران و حریمًا للعمران^۴ فلا تعد مواتا ولو لم یکن لها صاحب (علی حیدر، ۱۴۲۳هـ. ق ج ۳، ص. ۲۸۰)؛ جاهای که صدای شخص بلندآوازی از آخرین نقطه آبادی می رسد نزدیک و حریم آبادی است و موات شمرده نمی شود هرچند بدون صاحب باشد.

ابن عابدین در کتاب رد المحتار نوشته است:

(ولا یجوز إحياء ما قرب من العامر بل یترک مرعی لهم و مطرحا لحصائدهم لتعلق حقهم به فلم یکن مواتا، و کذا لوکان محتطبا. (ابن عابدین، ۱۴۱۲هـ. ق ج ۱۰، ص ۶)؛ زمین های نزدیک آبادی موات نبود و احیای آن جایز نیست، بلکه متعلق به اهل آبادی است که از آن به عنوان چراگاه و محل جمع آوری محصولات زراعتی استفاده می کنند و همین حکم در مورد زمین های که اهالی قریه از آن هیزم تهیه می کنند، نیز جاری است.

در شرح عبارت فوق آمده است تقیید به قرب (نزدیکی) بنابر قول ابی یوسف است، اما ظاهر روایت اعتبار حقیقت انتفاع است و قرب و بعد تأثیر بر حکم ندارد:

قوله (ولا يجوز الخ) التقیید بالقرب مبنی علی قول ابی یوسف^۵، وقد مر أن ظاهر

الرواية اعتبار حقيقة الانتفاع قرب او بعد (ابن عابدين، ردالمحتار، ۱۴۱۲هـ، ج ۱۰،

ص ۶)؛ سخن نویسنده کتاب که می گوید جایز نیست الی آخر. تقیید به قید نزدیکی

بر مبنای سخن ابویوسف است و در گذشته گفته شد که آنچه که از ظاهر روایت فهمیده

می شود که ملاک انتفاع است و نزدیکی و دوری تأثیری در حکم ندارد.

در جلد دوم الموسوعة الفقهية که توسط وزات اوقاف کویت تهیه شده است، نگاشته اند:

«والدار المحفوفة بدور لا حریم لها» (الموسوعة الفقهية، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۲، ص ۲۴۴).

«خانه که چسبیده به خانه های دیگر است، حریم ندارد»

با توجه به مطالب فوق، زمانی حریم برای ملک ایجاد می شود که ملک مذکور، در زمین

موات احداث گردیده باشد؛ بنابراین، در صورت که دو ملک به هم چسبیده باشند، هیچیک

دارای حریم نسبت به ملک دیگری نخواهد بود. (ملا خسرو، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۱). دلیل شرط

مذکور این است که هرگاه هر یک از مالکان املاک آباد، ادعای حریم در ملک خود نموده و

بدین وسیله ضرر را از خود دفع نماید، ادعای مالک ملک دیگر که از جنس ادعای او می باشد،

با ادعای ایشان تعارض نموده و هر دو ادعا پس از تعارض، تساقط می کند و در نتیجه قاعده ای

تسلط هر یک از مالکان بر مال خود، همچنان باقی می ماند و لذا است که نباید برای هیچ از

املاک آباد، حریم قائل شد. (الموسوعة، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۱۷، ص ۲۱۹).

۳-۴. وجود رابطه بین ملک و موات

برای تکمیل انتفاع از ملک، رابطه بین آن ملک و زمین موات لازم است؛ زیرا برای ایجاد شدن

حریم، باید رابطه ای بین ملک و اراضی موات اطراف آن وجود داشته باشد. به این معنا که

وجود اراضی موات اطراف زمین احیا شده برای کمال انتفاع ملک احیا شده، ضروری است.

(الموسوعة، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۱۷، ص ۲۱۳). به عبارت دیگر، شخصی که زمین مواتی را آباد می کند،

باید بتواند از آن کمال انتفاع و استفاده را ببرد و کسی نتواند با احیا و استفاده از اراضی اطراف

آن ملک، مانع کمال انتفاع شخصی از ملک احیاشده شود.

این رکن از تعاریف فقها از حریم نیز به خوبی قابل استنباط است که قبلا به مواردی از آن اشاره شد. برای تأکید بیشتر به چند مورد از عبارات فقها اشاره می‌گردد.

در کتاب النبایه شرح الهدایه نوشته است:

فمن أراد أن يحفر بئرا في حریمها منع منه كيلا يؤدي إلى تفويت حقه والاخلال به، وهذا لأنه بالحفر ملك الحریم ضرورة تمكنه من الانتفاع به، فليس لغيره أن يتصرف في ملكه... (بدرالدین العینی الحنفی، ۲۰۰۰م، ج ۱۲، ص ۳۰۱). اگر کسی بخواهد در حریم چاه دیگری چاهی حفر کند، از این کار منع می‌شود، زیرا حفر چاه دوم منجر به از بین رفتن و اخلال در حق صاحب حریم می‌شود. چون صاحب چاه اول با حفر چاه مالک حریم می‌گردد تا بتواند از آن بهره‌وری داشته باشد، بنابراین دیگران حق تصرف در ملک او را ندارد.

ماده ۱۲۸۹ مجله الاحکام العدلیه مقرر می‌دارد:

حریم الشجرة المغروسة بالإذن السلطانی فی لأراضی الموات خمسة أزرع من كل جهة و ليس لغيره غرس شجرة ضمن هذه المسافة حریم نهال که به اذن امام در زمین‌های موات غرس شده است از تمام جهات پنج زراع است و کسی دیگر حق ندارد در این محدوده نهالی بکارد.

علی حیدر در کتاب دررالحکام، در توضیح این ماده می‌نویسد:

لأن الشجرة تحتاج لحریم لجمع ثمرها و تکویمه علی الأرض. (علی حیدر، ۱۴۲۳ه.ق، ج ۳، ص ۲۹۲). به این دلیل که درخت، برای جمع حاصلش و انباشتن آن روی زمین، نیازمند حریم است»

همچنین ابن عابدین در «رد المحتار» می‌نویسد:

(ولا يجوز إحياء ما قرب من العامر) بل يترك مرعى لهم و مطرحا لحصائدهم لتعلق حقهم به فلم يكن مواتا، و كذا لو كان محتطبا (ابن عابدین، ۱۴۱۲ه.ق، ج ۱۰، ص ۶)؛ زمین‌های نزدیک آبادی موات نبود و احیای آن جایز نیست، بلکه متعلق به اهل آبادی است که از آن به عنوان چراگاه و محل جمع آوری محصولات زراعتی

استفاده می‌کنند و همین حکم در مورد زمین‌های که اهالی قریه از آن هم‌بزم تهیه می‌کنند، نیز جاری است

در موسوعیه فقهیه نیز چنین تقریر نموده‌اند:

اتفق الفقهاء على أنه لا يجوز احياء حریم المعمور، وأنه لا يملك بالإحياء ... والمراد بحریم المعمور ما تمس الحاجة إليه لتمام الانتفاع به، وهو ملك لمالك المعمور. (الموسوعة، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۲، ص ۲۴۴)؛ فقها اتفاق نظر دارند که احياء حریم زمین آباد جایز نیست و کسی که آنها را احياء کند مالک نمی‌شود، ... و مقصود از حریم زمین آباد، آنچه است که برای بهره‌برداری از زمین مذکور به آن نیاز است و آن ملک صاحب زمین آباد است.

در شرح مختصر الطحاوی بیان می‌دارد:

(وما قرب من العامر: فليس بموات) وذلك لأنه فناء للعامر، ومن مرافقه، فقيه حق مالک العامر، و ما كان فيه حق الغير: فليس بموات. (الرازي الجصاص، ۱۳۰۳ ق، ج ۳، ص ۴۴۲)؛ و آنچه که نزدیک آبادی است، موات نیست و قلمرو و لوازم آبادی محسوب می‌شود و مالک آبادی در آن ذی حق است و آنچه متعلق حق غیر باشد موات نیست.

بنابراین، وجود حریم برای کمال انتفاع احیا کننده از ملک احیاء شده است؛ اگر صاحب یک ملک یا عقار در انتفاع تام و کامل از آن، به حریم نیازمند نباشد؛ در این صورت لحاظ کردن حریم برای آن خالی از فایده خواهد بود.

۴. مبانی مشروعیت حریم

حریم املاک و عقارات به عنوان حق صاحبان آنها، دارای مشروعیت فقهی می‌باشد و بدون اجازه مالک، تصرف در آن جایز نیست. مشروعیت حق حریم به معنای عدم جواز تصرف دیگران در آن، مورد اتفاق فقهای مذاهب اسلامی است که پیروری از فقه اسلامی در حقوق موضوعه افغانستان نیز راه یافته است. مشروعیت حق حریم بر سه مبنا استوار گردیده است که می‌توان آنها را از منابع فقهی و حقوقی به دست آورد.

۱-۴. روایات نبوی

دسته‌ای از روایات نبوی که به بیان حریم برخی از اموال غیر منقول، به خصوص چاه و منابع آبی و تعیین محدوده حریم آنها پرداخته است. مبنا و اساس مشروعیت حق حریم به شمار می‌رود. علی حیدر در کتاب نفیس در الاحکام می‌نویسد:

همانچه که با حدیث شریف ثابت شده است که «حریم درخت پنج زراع است» در زمان نبی مکرم اسلام ﷺ شخصی درختی در زمین موات غرس کرد و کسی دیگر آمد که در کنار آن درخت غرس کند، صاحب درخت اول خدمت رسول خدا ﷺ رسید و بر او شکایت کرد، پیامبر اسلام پنج زراع را به عنوان حریم برای او اختصاص داد و خارج از آن را برای دیگر مجاز دانست^۶ (علی حیدر، ۱۴۲۳ه.ق، ج ۳، ص ۲۹۲). در کتاب الموسوعه الفقهیه از پیام گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند که ایشان فرمود:

من حفر بئرا فله أربعون زراعا عطنا لما شئته. (الموسوعه، ۱۴۰۷ه.ق، ج ۱۷، ص ۲۱۳)؛ «کسی که چاهی حفر کند چهل زراع برای آب خوردن حیوانات اوست (یعنی چهل زراع به عنوان حریم در نظر گرفته می‌شود که بتواند حیوانات خود را آب بدهد»

همچنین از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است:

حریم العین خمسمائۀ ذراع، وحریم بئر الطعن أربعون ذراعا، و حریم بئر الناضح ستون زراعا (العثمانی لتهانوی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۱۴)؛ حریم چشمه پنج صد ذراع، حریم چاه عطن (چاهی که با دست از آن، آب کشیده می‌شود) چهل ذراع و حریم چاه ناضح (چاهی که با شتر از آن، آب کشیده می‌شود) شصت زراع است.

فقه‌های شیعه نیز در بیان مشروعیت حق حریم به روایاتی از پیامبر اسلام استناد کرده‌اند که از آن جمله است:

من أحيى ميتة في غير حق مسلم فهي له حيث دلّ بمفهومه على عدم جواز تملك حق الغير بالإحياء ولا ريب أنّ حریم الملك حقّ للمالك (مازندرانی، ۱۴۱۵ه.ق، ص ۴۱)؛ پیامبر خدا فرمود: هرکس زمین مواتی را در خارج از حریم ملک مسلمانان احیا نماید، مالک آن زمین می‌گردد؛ مفهوم این حدیث بر عدم جواز تملک

حق عینی دیگران به وسیله‌ی احیا، دلالت دارد. شکی نیست که حریم ملک، حق غیر محسوب می‌گردد.

درباره حریم چشمه، چاه، درخت، و قریه روایات متعددی از پیامبر اسلام نقل شده است. بنابراین می‌توان گفت که روایات نبوی یکی از پایه‌های مشروعیت حق حریم است.

۲-۴. ملکیت مالک و حق ذی حق

هر شخص از تصرف در ملک دیگران منع شده است. مانع اصلی در اینجا ملکیت مالک است؛ بدین معنی که ملکیت مالک مبنای جعل حرمت تصرف غاصبانه و متعدیانه دیگران بر ملک او می‌باشد. در مورد حریم نیز همین قاعده جاری است؛ چراکه حریم املاک به تبع ملکیت آنها، ملک محسوب می‌شود (چنان‌که در مبحث ارکان حریم، عبارات فقها در این باره نقل شد) و تصرف غاصبانه و متجاوزانه آن جایز نیست. روایتی که از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است که احیاء موات در خارج از قلمرو حق مسلمان را ملکیت آور می‌داند، می‌تواند مؤید این نگاه باشد. روایت منقول از پیامبر این است:

«من أحیا میتة فی غیر حق مسلم فهي له.» (الموسوعة الفقهية، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۱۷، ص ۲۱۳).

«کسی زمین مواتی را که خارج از حق و ملک مسلمان است احیاء کند، ملک او خواهد

بود»

همین مسأله از ماده ۱۹۰۰ قانون مدنی افغانستان نیز قابل استفاده است:

ملکیت، حقی است که به مقتضای آن شی تحت اراده و تسلط شخص قرار می‌گیرد و تنها مالک می‌تواند در حدود احکام قانون به استعمال، بهره‌برداری و هرنوع تصرف مالکانه در آن بپردازد.

درالحکام در توضیح ماده ۱۲۷۱ نوشته است:

والمحلات التي يصل اليها صوت جهير الصوت عند صياحه^۷ من أقصى العمران تعد قریة من العمران و حریم للعمران^۸ فلا تعد مواتا و لو لم یکن لها صاحب. (علی حیدر، ۱۴۲۳: ۲۸۰/۳)؛ جاهای که صدای شخص بلندآوازی از آخرین نقطه آبادی می‌رسد نزدیک و حریم آبادی است و موات شمرده نمی‌شود هرچند بدون صاحب باشد.

بنابراین باتوجه به اینکه صاحب ملک اصلی یا ذی حق، مالک یا ذی حق در حریم محسوب می شود، همین ملکیت یا حق او باعث می شود که دیگران حق تصرف در آن را نداشته باشند.

۳-۴. دفع ضرر و جلب منفعت

یکی از مبانی مشروعیت حق حریم دفع ضرر از مالک و ایجاد و توانایی و استطاعت وی در بهره‌وری و انتفاع از ملک اصلی می باشد؛ زیرا بدون حریم یا امکان انتفاع از ملک اصلی، سلب می شود یا انتفاع تام و کامل میسر نخواهد بود. چنانکه در موسوعیه فقهیه به این مسأله تصریح شده است:

اتفق الفقهاء علی أنه لا يجوز احياء حریم المعمور، وأنه لا يملك بالإحياء ... والمراد بحریم المعمور ما تمس الحاجة إليه لتمام الانتفاع به، وهو ملك لمالك العمور (الموسوعة، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۲، ص ۲۴۴)؛ فقها اتفاق نظر دارند که احياء حریم زمین آباد جایز نیست و کسی که آنها را احياء کند مالک نمی شود، ... و مقصود از حریم زمین آباد، آنچه است که برای بهره‌برداری از زمین مذکور به آن نیاز است و آن ملک صاحب زمین آباد است.

در جلد هفدهم کتاب اخیر الذکر، مدخل حریم، فلسفه حریم را پیشگیری از بطلان و نادیده گرفتن ملک اصلی می دانند و چنین می نویسند:

اختلافی نیست بین فقها در عدم جواز احياء حریم چاه و جوی و چشمه و هر ملکی که احياء آنچه که مصالح آن مربوط است جایز نیست. چون پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده است: «کسی زمینی مواتی را که حق مسلمانی نیست، احياء کند مالک می شود» چون حریم تابع ملک است، اگر احياء آن جایز باشد، ملک برای صاحب آن قابلیت انتفاع خود را از دست می دهد.^۹ (الموسوعة الفقيه، ج ۱۷، ۱۴۰۷ ه.ق، ص ۲۱۳).

بدرالدین العینی الحنفی در کتاب النباه شرح الهدایه، دلیل جعل حریم برای چاه را جلوگیری از تقویت و اخلال در حق صاحب چاه دانسته و چنین بیان می دارد:

فمن أراد أن يحفر بئرا في حریمها منع منه كيلا يؤدي إلى تقویت حقه والاخلال به، وهذا

لأنه بالحفر ملك الحریم ضرورة تمكنه من الانتفاع به، فليس لغيره أن يتصرف في ملكه... (بدرالدین العینی الحنفی، بی تا: ۳۰۱/۱۲)؛ اگر کسی بخواهد در حریم چاه دیگری چاهی حفر کند، از این کار منع می شود، زیرا حفر چاه دوم منجر به از بین رفتن و اخلال در حق صاحب حریم می شود. چون صاحب چاه اول با حفر چاه مالک حریم می گردد تا بتواند از آن بهره‌وری داشته باشد، بنابراین دیگران حق تصرف در ملک او را ندارد. ابن عابدین در کتاب ردالمحتار، در مقام توضیح اینکه چرا برای درخت پنج ذراع حریم در نظر گرفته شده است، چنین نگاشته است:

قوله: (خسمة اذرع) لأنه يحتاج إلى أن يجد ثمرة و يضعه فيه، والتقدير بالخمسة ورد الحديث به كما في الهداية، وذكر الرملي أن مقتضى ما ذكره في ينباع في حریم البئر أن الاعتبار للحاجة لا للتقدير أن يكون هنا كذلك، لأنه يختلف الحال بكبر الشجرة وصغرها (ابن عابدین، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۰، ص ۱۰)؛ دلیل اینکه برای درخت پنج ذراع حریم در نظر گرفته شده این است که برای چیدن بار درخت به آن نیاز است. تعیین حریم به پنج ذراع در حدیث وارد شده است. به گفته رملی مقتضای آنچه که در کتاب ینابع آمده در تثبیت حریم درخت ملاک نیاز است نه آنچه در حدیث تعیین شده است، چون این نیاز بسته به بزرگی و کوچکی درخت فرق می کند.

امام جصاص در کتاب نفیس شرح مختصر الطحاوی در مقام بیان حریم چاه می نویسد: وحریم بئر العطن: أربعون ذراعا، إلا أن يتجاوز الحبل ذلک، فیکون له إلى ما تنهاهی الحبل) وذلک لأنه لا یصل إلى الانتفاع بها إلا من هذالوجه (جصاص، ۱۳۰۳ ق، ج ۳، ص ۴۵۰)؛ «حریم چاه عطن (چاهی که با دست از آن، آب کشیده می شود) چهل ذراع است، مگر اینکه ریسمان (که برای کشیدن آب استفاده می شود) بلندتر از چهل ذراع باشد که در این صورت به اندازه درازی تناب حریم در نظر گرفته خواهد شد، چون تنها با این طریق است که می توان از آن بهره گرفت.

از مجموع عبارات فوق چنین فهمیده می شود که جلب منفعت و دفع ضرر نقش اساسی در تشریع حریم دارد؛ بدین معنی که هدف از جعل حریم تأمین بهره‌وری کامل از ملک اصلی و دفع ضرر از مالک می باشد؛ لذا می توان گفت جلب منفعت و دفع ضرر نقش اساسی و مبنای در تشریع حق حریم دارد.

۴-۴. اجماع و عدم خلاف

گفته شد که حریم، مقداری از اراضی اطراف ملك است که برای کمال انتفاع از ملك مذکور و جلوگیری از ضرر، ضرورت دارد؛ زیرا وجود حریم، افراد دیگر را ملزم می‌کند تا به حق حریم صاحب ملک و چاه و... احترام گذاشته و از تجاوز به آن خودداری نمایند.

فقه‌های حنفی و حقوق دانان، معتقدند که هرگاه کسی به وسیله‌ی احیاء اراضی موات، باغ، منزل، قریه، مزرعه، چاه آب و قنات احداث نماید، مقداری از اراضی موات که نزدیک آن است و برای کمال انتفاع از اراضی مذکور، لازم شمرده می‌شود، به خودی خود، حریم آن اراضی و.... محسوب می‌گردد و مالک اموال مذکور، نسبت به آن‌ها حق حریم پیدا می‌نماید. فقه‌های زیادی در این زمینه ادعای اجماع یا عدم خلاف کرده‌اند که در ذیل به مواردی از آن اشاره می‌گردد.

علامه کاسانی حنفی در اصل مشروعیت حق حریم چنین است:

فقه‌ها به دو دلیل برای نهری که در زمین موات احداث می‌گردد، بدون هیچ اختلافی، حریم قائل شده‌اند؛ دلیل نخست این است که حریم داشتن چاه و چشمه، هم مورد اجماع فقها است و هم از رسول خدا نقل شده است که ایشان برای چاه و چشمه، حریم قرار داده است؛ زیرا بهره‌وری از چاه و چشمه، نیازمند وجود حریم و به رسمیت شناختن آن می‌باشد. دلیل دوم مشروعیت حریم نهر، اولویت می‌باشد؛ بدین معنا که نیاز نهر به حریم، بیشتر از نیاز چاه و چشمه به حریم بوده و لذا نهر به طریق اولی باید حریم داشته باشد.^{۱۰} (الكاسانی الحنفی، ۱۴۲۴ق ج ۶، ص ۱۹۱).

در کتاب نفیس موسوعیه، نیز به این مسأله تصریح شده است:

اتفق الفقهاء على أنه لا يجوز احیاء حریم المعمور، وأنه لا يملك بالإحياء... والمراد بحریم المعمور ماتمس الحاجة اليه لتمام الانتفاع به، وهو ملك لمالك المعمور (الموسوعة، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۲، ص ۲۴۴)؛ فقها اتفاق نظر دارند که احیاء حریم زمین آباد جایز نیست و کسی که آنها را احیاء کند مالک نمی‌شود،... و مقصود از حریم زمین آباد، آنچه است که برای بهره‌برداری از زمین مذکور به آن نیاز است و آن ملک صاحب زمین آباد است.

در جلد هفدهم کتاب اخیر الذکر، مدخل حریم، فلسه حریم را پیشگیری از بطلان و نادیده گرفتن ملک اصلی می‌دانند و چنین می‌نویسند:

اختلافی نیست بین فقها در عدم جواز احیاء حریم چاه و جوی و چشمه و هر ملکی که احیاء آنچه که مصالح آن مربوط است. چون پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده است: «کسی زمینی مواتی را که حق مسلمانی بر آن نیست، احیاء کند مالک می‌شود» چون حریم تابع ملک است، اگر احیاء آن جایز باشد، ملک برای صاحب آن قابلیت انتفاع خود را از دست می‌دهد^{۱۱} (الموسوعة الفقیه، ۱۴۰۷ ه ق، ج ۱۷، ص ۲۱۳).

وهبة زحیلی از فقهای نامدار شافعی هم در این باره نوشته است:

الأصل فی مشروعیة الحریم: أن النبی ﷺ جعل للبئر حریماً. وللعین حریم بالإجماع، لأنه علیه الصلاة والسلام جعل لكل أرض حریماً (الموسوعة الفقیه، ۱۴۰۷: ۱۷/۲۱۳)؛ اصل در مشروعیت حریم این است که پیامبر اسلام ﷺ برای چاه حریم قرار داده است. و برای چشمه حریم است اجماعاً، زیرا پیامبر ﷺ برای هر زمینی حریم قرار داده است.

هاشمی شاهرودی از فقهای امامیه نیز در این باره نوشته است:

احیاء هر چه استفاده آباد کننده به آن بستگی دارد، مانند راهی که به آن برده می‌شود، آب آشامیدنی، حریم چاه، چشمه و دیوار، برای احدی - جز برای صاحب آن - صحیح نیست و با احیاء مالک نمی‌شود بدون اینکه در این باره اختلاف نظر بین فقها باشد. و براین حکم به روایاتی استناد شده است: از جمله: آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «کسی که مواتی را که ملک مسلمانی نیست، آباد کند، از آن اوست». (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ ه ق، ج ۷، ص ۳۲۰).

بنابراین می‌توان گفت باتوجه به عبارات فوق الذکر می‌توان گفت، مشروعیت حریم، از مسلمات فقه اسلامی است و در اصل مشروعیت آن بین فقهای مذاهب اسلامی اختلافی نیست.

۴-۵. بنای عقلا

سیره‌ی عملی عقلا نیز این است که برای هر ملکی حریمی را پذیرفته‌اند و بر مبنای همین سیره، هیچ کس حق تصرف در محدوده‌ی حریم ملک دیگران را ندارند. به عبارت دیگر، روش عقلا بر آن مستقر بوده و هست که اگر کسی زمین بایری را آباد نماید، دیگران حریم آن را

محترم شمرده و در آن تصرف نمی‌کنند؛ در مقابل، چنانچه شخصی، حریم ملک دیگری را آباد نماید و با این عمل، موجبات ضرر او را فراهم نماید، از نظر عقلا و عرف نافذ بین آنان، متجاوز به حقوق دیگران به حساب آمده و عقلا او را به خاطر این رفتارش مورد مؤاخذه و نکوهش قرار می‌دهند. از آنجای که نسبت به این روش عقلایی از سوی شارع، منعی گزارش نشده است، به این نتیجه می‌رسیم که در اسلام نیز حق حریم مشروعیت داشته و قابل احترام می‌باشد؛ به عبارت دیگر، شرعا کسی نمی‌تواند حریم املاک دیگران را بدون اذن آنان احیا نموده و مالک شود. (حسینی، ۱۳۶۵، ص ۷۷).

کاسانی حنفی سیره‌ی نیک و جاری عقلا را جزء سنت دانسته و نوشته است:

لأن السنة عبارة عن الطريقة المرضية أو السيرة الحسنة. (الكاساني الحنفی، ۱۴۲۴ه.ق، ج ۱، ص ۱۹۵)؛ «سنت جز طریق مرضی شارع و سیره‌ی نیکو بین مردم چیزی دیگری نیست.

نتیجه

باتوجه به مطالب ارائه شده به این نتیجه رسیدیم:

از نظر فقهای حنفی و حقوقدانان، حریم مقدار از زمین‌های اطراف ملک، قریه، چشمه، چاه و... است که بهره‌وری و انتفاع کامل از ملک، متوقف بر آن‌ها است. هرگاه قریه، قنات، چاه، خانه، زمین زراعتی در یک زمین موات شکل گرفت، زمین‌های اطراف قریه، قنات و... محل گردهم‌آیی‌های مردم قریه، محل مسابقات اسبهای مردم قریه، محل چراگاه‌های شتران و هرجا جزء منافع قریه و... محسوب می‌شود، حریم قریه قلمداد گردیده و غیر قابل احیا می‌باشد.

حریم املاک و عقارات به عنوان حق صاحبان آنها، دارای مشروعیت فقهی بوده و بدون اجازه مالک، تصرف در آن جایز نیست. مشروعیت حق حریم به معنای عدم جواز تصرف دیگران در آن، مورد اتفاق فقهای مذاهب اسلامی است در حقوق موضوعه افغانستان به پیروی از فقه اسلامی از جمله در مقرره بستر و حریم منابع آب و تأسیسات آبی، مصوب ۱۳۹۴ حق حریم را مورد توجه قرار داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. «لاخلاف بین الفقهاء فی أنه لايجوز إحياء حريم البئر والنهر، والعين، وكل مملوك لايجوز إحياء ماتعلق بمصالحه، لقوله عليه الصلاة والسلام: «من أحيا أرضا ميتة في غير حق مسلم فهي له» لأنه تابع للمملوك، فلو جوز إحياءه لبطل الملك في العامر على أهله»
۲. «فالأرض الموات هي أرض خارج البلد لم تكن ملكا لأحد ولا حقا له خاصا فلا يكون داخل البلد موات أصلا، وكذا ما كان خارج البلدة من مرافقها محتطبا بها لأهلها أو مرعى لهم لا يكون مواتا حتى لا يملك الإمام إقطاعها؛ لأن ما كان من مرافق أهل البلدة فهو حق أهل البلدة كفناء دارهم وفي الإقطاع إبطال حقهم.»
۳. در مقدار بلندی آواز گفته شده است که به اندازه صدای مؤذن معمولی باشد به میزانی که باعث تنگی نفس آواز کننده نشود. علی حیدر، درالحکام، ج ۳، ص ۲۷۷.
۴. گفته شده است تخمینا حدود یک مایل و نصف یعنی نیم ساعت دور تر از قریه باشد. علی حیدر، درالحکام، ج ۳، ص ۲۷۷.
۵. مراد قاضی ابویوسف است.
۶. «كما أنه قد ثبت بالحديث الشريف: (ان حريم الشجرة خمسة اذرع) وذلك أنه في عهد النبي ﷺ غرس شخص شجرة في أرض موات ثم جاء آخر وأراد غرس شجرة في جنب الشجرة الأولى فراجع صاحب تلك الشجرة الرسول ﷺ و شكى الامر اليه فخصص لصاحب الشجرة الاولى حريما خمسة اذرع و جوز تصرف الآخر خارج الحريم المذكور.»
۷. در مقدار بلندی آواز گفته شده است که به اندازه صدای مؤذن معمولی باشد به میزانی که باعث تنگی نفس آواز کننده نشود. علی حیدر، درالحکام، ج ۳، ص ۲۷۷.
۸. گفته شده است تخمینا حدود یک مایل و نصف یعنی نیم ساعت دور تر از قریه باشد. علی حیدر، درالحکام، ج ۳، ص ۲۷۷.
۹. «لاخلاف بین الفقهاء فی أنه لايجوز إحياء حريم البئر والنهر، والعين، وكل مملوك لايجوز إحياء ماتعلق بمصالحه، لقوله عليه الصلاة والسلام: «من أحيا أرضا ميتة في غير حق مسلم فهي له» لأنه تابع للمملوك، فلو جوز إحياءه لبطل الملك في العامر على أهله.»
۱۰. «لا خلاف أن للنهر حريما في أرض الموات؛ لأن للبئر والعين حريما بما فيها بالإجماع، وقد روى ﷺ أنه جعل لهما حريما لحاجتهما إلى الحفر لتعذر الانتفاع بها بدون الحفر؛ لأن حاجة النهر إلى الحريم كمحاجة البئر والعين بل أشد فكان جعل الشرع للبئر والعين حريما جعلاً للنهر من طريق الأولى.»
۱۱. «لاخلاف بین الفقهاء فی أنه لايجوز إحياء حريم البئر والنهر، والعين، وكل مملوك لايجوز إحياء ماتعلق بمصالحه، لقوله عليه الصلاة والسلام: «من أحيا أرضا ميتة في غير حق مسلم فهي له» لأنه تابع للمملوك، فلو جوز إحياءه لبطل الملك في العامر على أهله.»

کتابنامه

- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، بیروت - لبنان، سوم، ۱۴۱۴ هـ ق
- ابن عابدین، محمد امین، رد المحتار علی الدر المختار، الناشر: دار الفكر-بیروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۲ هـ ق - ۱۹۹۲ م
- الامام ابی بکر الرازی الجصاص، شرح مختصر الطحاوی، بیروت - لبنان، دارالبشائر الاسلامیه للطباعة و التوزيع، ۱۳۰۳ هـ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، دار العلم للملایین، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ هـ ق
- حسینی، سید جعفر، مالکیت زمین در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۳۶۵ ش.
- زحیلی، وهبه الفقه الاسلامی و ادلته، دارالفکر، دمشق، چهارم، بی تا.
- زین الدین بین ابراهیم ابن نجیم المصری، بحر الرایق شرح کنز الدقایق، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، بی چا، بی تا
- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۸ هـ ق.
- ظفر احمد العثمانی لتهانوی، أعلاء السنن، کراچی، اداره القرآن و العلوم الاسلامیه، ۱۴۱۵ هـ ق.
- عبدالله بن محمود الموصلی البلدحی الحنفی، الاختیار لتعلیل المختار، قاهره، مطبعه الحلبي، بی چا، ۱۳۵۶ ش.
- عثمان بین علی بن محجن البارعی الزیعلی الحنفی، تبیین الحقایق شرح کنز الدقایق، قاهره، مطبعه الکبری الامیری، اول، ۱۳۱۵ ش.
- علاء الدین الکاسانی، بدائع الصنائع فی شرح ترتیب الشرایع، بیروت، دارالکتاب العربی، بی چا، ۱۹۸۲ هـ ق.
- علی حیدر، دررالحکام فی شرح مجله الاحکام، بیروت، دارالعالم الکتب للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۲۳ هـ ق - ۲۰۰۴ م.
- فراہیدی، خلیل، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ ق.
- فیاض کابلی، محمد اسحاق، منهاج الصالحین، بی جا، بی چا، بی تا.
- مازندرانی، علی اکبر، دلیل تحریر الوسيلة - إحياء الموات و اللقطة، دفتر انتشارات اسلامی،

قم، اول، ۱۴۱۵ ه.ق.

محسنی، فرید، **حریم خصوصی اطلاعات**، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، اول، ۱۳۸۹ ش.
محمدبن حسن بن فرقد الشیبانی، **المبسوط**، کراچی، اداره القرآن و العلوم الاسلامیه، بی جا، بی تا.
ملا خسرو، محمد، **درر الحکام شرح غرر الأحکام**، دار إحياء الكتب العربية» بی جا، بی تا.
محمودبن احمدبن موسی بن احمدبن الحسین المعروف ببدرالدین العینی الحنفی، **البنایه شرح الهدایه**، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۲۰۰۰ م.
محمود هاشمی شاهرودی، **موسوعة الفقه الإسلامی المقارن** (هاشمی شاهرودی)، جلد ۷، قم - ایران، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۳۲ ه.ق.
وزارة الاوقاف والشتون الاسلامیه - الكويت، **موسوعة الفقیه**، طباعه ذات السلاسل - الكويت، چاپ دوم، ۱۴۰۷ ه.ق - ۱۹۸۳ م.